

کنفرانس آوریل «حزب بلشویک»



از ۲۷ مارس تا ۲۹ آوریل

فهرست

نشست فعالان حزبی سراسر روسیه ۲۷ مارس- ۲ آوریل ۱۹۱۷

۱۴۷- درباره‌ی جنگ ۲۸ مارس ۱۹۱۷

۱۴۸- درباره‌ی روش برخورد به حکومت موقت ۳۱ مارس
۱۹۱۷

کمیته‌ی مرکزی درباره‌ی بحران آوریل ۲۲-۲۰ آوریل

۱۴۹- درباره‌ی یادداشت حکومت موقت در ۱۸ آوریل ۱۹۱۷
۲۰ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۰- در باره‌ی تظاهرات صلح آمیز ۲۱ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۱- درباره‌ی قدرت دوگانه ۲۲ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس سراسری هفتم کنفرانس آوریل ۲۹-۲۴ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۲- درباره‌ی جنگ ۲۷ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۳- درباره‌ی اتحاد با انترناسیونالیست‌ها علیه بلوک خرده
بورژوازی دفاع طلب ۲۹ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۴- درباره ی روش برخورد به حکومت موقت ۲۷ آوریل
۱۹۱۷

۱۵۵- درباره ی کابینه ی ائتلافی ۲۸ آوریل ۱۹۱۷

۱۵۶- درباره ی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان ۲۹
آوریل ۱۹۱۷

۱۵۷- در باره ی مسأله ی ارضی ۲۸ آوریل ۱۹۱۷

در باره ی مسأله ی ملیت ها ۲۹ آوریل ۱۹۱۷

منبع: قطعه نامه ها و تصمیمات حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه

۱۹۱۷-۱۸۹۸، انتشارات سازمان چریک های فدائی خلق ایران، چاپ اول

دی ماه ۱۳۶۳

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharazarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۵

نشست فعالان حزبی سراسر روسیه

۲۷ مارس - ۲ آوریل ۱۹۱۷

نشست سراسری فعالین حزبی که به "کنفرانس مارس" نیز معروف است، از ۲۷ مارس تا ۲ آوریل ۱۹۱۷ با فراخوان دفتر روسیه کمیته‌ی مرکزی بلشویک به طور علنی در پتروگراد برگزار شد. این اولین کنفرانس بلشویک‌ها پس از انقلاب فوریه بود و حدود ۱۲۰ نفر که همگی از بلشویک‌ها بودند، به نمایندگی از ۵۸ سازمان حزبی در آن شرکت داشتند. این کنفرانس قصد داشت تا مواضع حزب را در مورد مسایلی که قرار بود در کنفرانس سراسری نمایندگان شوراهای کارگران و سربازان در ۲۹ مارس بحث شود، تعیین کند. مسایلی که در دستور کار کنفرانس قرار داشت عبارت بودند از: روش برخورد به حکومت موقت، روش برخورد به جنگ، مسأله‌ی ارضی، اتحاد با منشویک‌ها و غیره.

شرکت‌کنندگان در این کنفرانس درباره‌ی برخورد به حکومت موقت و جنگ سه نظر عمده مختلف ارائه دادند:

نظر اول، آشکارا از حکومت موقت پشتیبانی می‌کرد. حاملان این نظر به زودی به منشویک‌ها پیوستند؛

نظر دوم، حکومت موقت را ضدانقلابی ارزیابی می‌کرد و در مورد جنگ شعار لنینی "تبدیل جنگ امپریالیستی به جنگ داخلی" را مطرح می‌ساخت. این نظر بیش از نظرات دیگر به لنین نزدیک بود و افرادی مثل مولوتف، زالوتسکی، شلیاپنیکف و آکساندرا کولنتای را دربر می‌گرفت؛

نظر سوم، چه در مورد حکومت موقت و چه در مورد جنگ موضع میانه داشت. این نظر خواهان پشتیبانی مشروط از حکومت موقت بوده و اعتقاد داشت که جنگ را از طریق فشار به حکومت موقت می‌توان خاتمه داد (ما قبلاً در یکی از مقدمه‌های پیش در این باره صحبت کردیم، ص ۲۳۴). افرادی مثل استالین، کامنف، نوگین و رایکوف از طرفداران این نظر بودند. حامیان این نظر در کنفرانس از اکثریت برخوردار بودند و بنابر این دو سند ترجمه شده در این بخش بیانگر نظرات آنان است.

در رابطه با روش برخورد به جنگ، در ابتدا حامیان نظر دوم قطعنامه‌ای ارائه دادند که در آن مواضع لنینیستی اتخاذ شده بود. حامیان نظر سوم که از اکثریت برخوردار بودند، موفق می‌شوند که آن را تعدیل کرده و "اختلال در ارتش" را محکوم کنند و از سربازان و کارگران بخواهند که "در مواضع خود باقی‌مانده و نظم را کاملاً حفظ کنند" (سند ۱۴۷).

در رابطه با روش برخورد به حکومت موقت نیز حامیان نظر سوم موفق می‌شوند قطعنامه‌ی دلخواه خود را به تصویب کنفرانس برسانند. در این قطعنامه‌ی "نظارت" بر اعمال حکومت موقت مطرح می‌شود (سند ۱۴۸). معنای این تز نیمه‌منشویکی آن بود که حکومت موقت محق است که بر روسیه حکومت کند و مسأله‌ی شروع انقلاب سوسیالیستی برای مدت‌ها به تعویق افتد. این تز در تضاد کامل با نظرات لنین قرار داشت.

مواضع اتخاذ شده، در کنفرانس مارس چنان به مواضع منشویک ها نزدیک شده بود که کنفرانس بدون هیچ واژه ای تصمیم گرفت با منشویک ها متحد شود و برای این منظور کمیسیونی مرکب از ۴ نفر (استالین، کامنف، نوگین و تنودورویچ) برای تدارک مقدمات برگزاری کنفرانس وحدت با منشویک ها تشکیل داد. در ادامه ی این سیاست اتحاد با منشویک ها، در ۴ آوریل جلسه ی مشترکی بین ۵۰ بلشویک، ۴۷ منشویک و ۳ نماینده از احزاب سوسیال دموکرات ملیت ها و ۱۷ نفر مستقل برگزار شد. لنین که شب قبل تازه به روسیه وارد شده بود، خود را به این کنفرانس رساند و تزه های معروف به تزه های آوریل خود را در آن جا خواند. این تزه ها کلیت نظرگاه نادرست کنفرانس مارس را فرو ریخت و بار دیگر خط انقلابی در حزب بلشویک غلبه یافت.

لنین هر نوع پشتیبانی از حکومت موقت، و هر نوع پشتیبانی از دفاع طلبی در جنگ و همچنین هر نوع ایده ی اتحاد با منشویک ها را شدیداً مورد انتقاد قرار داد و طرفداران این نظرات انحرافی را محکوم ساخت. لنین همچنین مطرح ساخت که انقلاب بورژوازی پایان یافته است، و قدرت دولتی باید به شوراها منتقل شود. نطق انقلابی لنین باعث می شود که اکثریت بلشویک های حاضر در جلسه ی مشترک با منشویک ها، همراه لنین جلسه را ترک کنند.

۱۴۷- درباره‌ی جنگ

۲۸ مارس ۱۹۱۷

جنگ کنونی به علت خواست های تجاوزکارانه امپریالیستی طبقات حاکم کلیه ی کشورها، برای تصرف سرزمین های جدید و تحت سلطه درآوردن کشورهای کوچک و عقب مانده در گرفته است. هر روز که از جنگ می گذرد، بورژوازی صنعتی و مالی غنی تر می شود و نیروی پرولتاریا و دهقانان کشورهای متخاصم را تحلیل برده و تباه می کند. به علاوه، در روسیه، تداوم جنگ تحکیم دستاوردهای انقلاب و تکمیل آن را در خطر می اندازد. اراده ی مردم باید به این جنگ غیرضروری پایان بخشد. از این رو نیروهای انقلابی روسیه (پرولتاریا و ارتش) باید وظیفه ی فوری خود را اتمام جنگ در اسرع وقت و بر اساس صلحی بدون الحاق یا غرامت و حق تعیین سرنوشت برای هر ملیت قرار دهند.

به این منظور دموکراسی انقلابی روسیه باید فوراً از مردم کلیه ی کشورهای متخاصم بخواهد تا علیه سرکوبگران خود که مسئول این برادرکشی وحشیانه هستند، به پا خیزند؛ تا انقلاب روسیه طنین صدایش را در غرب دریابد و راه را برای صلح عمومی باز کند. اولین قدم در این راه تصویب «بیانیه ی خطاب به ملت های جهان» در جلسه ی ۱۴ مارس شورای نمایندگان کارگران و سربازان بود.

فعالیت در جهت تحکیم پیوندهای بین المللی به خاطر اتمام جنگ باید ادامه یابد بخصوص لازم است در آتیه ی نزدیک کنگره ی سوسیالیستی بین المللی تشکیل شود. از طرف دیگر، دستور کار بعدی، لزوم وادار ساختن حکومت موقت روسیه به این امر است که نه تنها از نقشه های تجاوزکارانه ی خود چشم پوشی کند، بلکه فوراً و علناً خواست همه ی مردم روسیه، یعنی پیشنهاد صلح به کلیه ی کشورهای متخاصم [درگیر جنگ- یاشار آذری] بدون الحاق یا غرامت و حق تعیین سونوشت برای ملت ها را، اعلام دارد.

تنها انحلال کامل سیاست خارجی تزاریزم و بورژوازی امپریالیستی و به همراه قراردادهای سری بین المللی و تفویض [داده شده- یاشار آذری] واقعی قدرت به پرولتاریا و دموکراسی انقلابی در روسیه، ماهیت امپریالیستی جنگ را از طرف روسیه تغییر می دهد؛ و اگر کشور دیگری صلح را رد کند، مردم به پا خاسته روسیه را وادار خواهد کرد تا متحد با پرولتاریای اروپای غربی از این جنگ به عنوان جنگی برای آزادی ملی خود سود جویند. تا آن زمان، ما با نفی اختلال در ارتش و ضروری دانستن تحکیم قدرت آن به عنوان سدی در مقابل ضدانقلاب، از کلیه ی سربازان و کارگران می خواهیم که در مواضع خود باقی مانده و نظم را کاملاً حفظ کنند.

۱۴۸- درباره‌ی روش برخورد به حکومت موقت

۳۱ مارس ۱۹۱۷

نظر به این که، حکومت موقت از نمایندگان طبقات بورژوازی متوسط تشکیل یافته و با منافع امپریالیزم انگلیس- فرانسوی پیوند دارد؛ که این حکومت تنها قسمت هایی از برنامه‌ی پیشنهادی خود را و آن هم تحت فشار شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان به اجرا گذارده است؛ که نیروهای ضدانقلاب که در فرآیند شکل‌گیری هستند و خود را در زیر لوای حکومت موقت و با اغماض [داده شده- یاشار آذری] آشکار این حکومت پنهان کرده اند، هم اکنون حمله بر شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان را «به شکل تبلیغ این مطلب در بین نیروهای خط جبهه که شوراها سعی در خرابکاری در مساعی [داده شده- یاشار آذری] این جنگ میهنی دارد» تدارک دیده اند؛ و این که شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان تنها ارگان های خواست های مردم انقلابی هستند.

لذا کنفرانس از دموکراسی انقلابی می خواهد که:

- ۱- با نظارت آگاهانه بر حرکات حکومت موقت در سطح ملی و محلی آن را به مبارزه ای بی امان برای انحلال کامل رژیم سابق وادار کند.
- ۲- حول شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان که قادرند با اتحاد با نیروهای مترقی، تلاش های ضدانقلاب تزاری و بورژوازی را دفع کرده، دستاوردهای جنبش انقلابی را تحکیم کرده و گسترش دهند، گرد آیند.

کمیته‌ی مرکزی درباره‌ی بحران آوریل

۲۲-۲۰ آوریل ۱۹۱۷

در تاریخ ۱۸ آوریل ۱۹۱۷، میلیوکف وزیر خارجه‌ی حکومت موقت یادداشتی برای دول متفق فرستاد و در آن اعلام کرد که حکومت موقت همه‌ی قراردادهای حکومت تزاری با دولت‌های انگلیس و فرانسه را محترم می‌شمارد. انتشار این یادداشت در ۲۰ آوریل، خشم مردم را برانگیخت و هزاران نفر از کارگران و سربازان به خیابان‌ها ریخته و شعار "سرنگون باد حکومت موقت" را مطرح ساختند. بین تظاهرکنندگان و نیروهای طرفدار حکومت موقت برخوردهای مسلحانه پیش آمد و تظاهرات و اعتصابات هر چه بیش‌تر اوج می‌گرفت. حکومت موقت برای فریب کارگران و سربازان رزمنده، استعفای میلیوکف را از وزارت خارجه پذیرفت. شورای پتروگراد نیز طی صدور اطلاعیه‌ای، هرگونه تظاهرات در پتروگراد را ممنوع کرد.

سندهای زیر، که توسط لنین نوشته شدند، عکس‌العمل کمیته‌ی مرکزی بلشویک در رابطه با وقایع فوق است. (متن کامل این سندها در مجموعه آثار، جلد ۲۴، صفحات ۵-۱۸۴، ۳-۲۰۱، ۱۲-۲۱۰ چاپ شده است).

۱۴۹ - درباره‌ی یادداشت حکومت موقت در ۱۸ آوریل ۱۹۱۷

۲۰ آوریل ۱۹۱۷

- یادداشت حکومت موقت صحت کامل موضع حزب ما را در مورد قطعنامه‌ی کنفرانس شهری پتروگراد نشان داده است، به این معنی که:
- ۱- حکومت موقت به طور کل امپریالیستی است و سراپا وابسته به سرمایه‌ی انگلیسی- فرانسوی و روسی است.
 - ۲- همه‌ی وعده‌های این حکومت (در مورد "تحقق اراده‌ی مردم برای صلح"، و غیره) چیزی جز نیرنگ نیست.
 - ۳- حکومت موقت، بدون توجه به ترکیب‌اش، نمی‌تواند از الحاق چشم‌پوشی کند، چرا که در جنگ کنونی و به خصوص در لحظه‌ی کنونی طبقه‌ی سرمایه‌دار با سرمایه‌ی بانکی گره خورده است.
 - ۴- سیاست‌های خرده بورژوازی که توسط نارودنیک‌ها (یعنی اس‌ارها)، منشویک‌ها، و بسیاری از رهبران شورای فعلی نمایندگان کارگران تعقیب می‌شود و حاکی از برانگیختن این امید کاذب است که سرمایه‌داران (یعنی حکومت موقت) را می‌توان با "تحت تأثیر قرار دادن"، "اصلاح" کرد، یکبار دیگر توسط این یادداشت افشاء می‌شود.
- با توجه به مراتب فوق کمیته‌ی مرکزی معتقد است که:

I - هرگونه تغییر در حکومت فعلی (استعفای میلیوکف Miliukov، عزل کرنسکی «وزیر دادگستری وقت»، و غیره) تقلیدی است از بدترین تجربه های جمهوری های پارلمانی بورژوایی، یعنی "جایگزین کردن" مبارزه ی طبقاتی با رقابت گروه ها و تغییر مهره ها.

II - برای توده های خرده بورژوا که بین سرمایه داران و طبقه ی کارگر در نوسان است تنها راه رهایی پیوستن بی قید و شرط به پرولتاریای انقلابی است، که قادر است به تنهایی قید سرمایه مالی و سیاست های الحاق طلبانه را درهم شکند. تنها با به دست گرفتن کامل قدرت دولتی با پشتیبانی اکثریت مردم- پرولتاریای انقلابی همراه با سربازان انقلابی می تواند حکومتی در شکل شورای نمایندگان کارگران و سربازان ایجاد کند، که اعتماد همه ی کارگران کشور را به خود جلب خواهد کرد و موقعیتی خواهد یافت که به سرعت بتواند به این جنگ با صلحی واقعاً دموکراتیک خاتمه دهد.

۱۵۰ - «در باره ی تظاهرات صلح آمیز»

۲۱ آوریل ۱۹۱۷

...کمیتة مرکزی حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه مقرر می دارد که:

۱- مبلغین و سخنرانان حزب باید دروغ بیش‌رمانه ی نشریه های کاپیتالیست و نشریه های حامی سرمایه داران را مبنی بر این که ما تهدید به جنگ داخلی می کنیم تکذیب کنند... در این لحظه هرگونه فکری در مورد جنگ داخلی ساده لوحانه، مهمل و نامعقول خواهد بود... و اگر برخورد خشونت آمیزی روی دهد مسئولیت آن برعهده ی حکومت موقت و حامیان آن خواهد بود...

۴- همه ی مبلغین حزبی در کارخانه ها، واحدهای نظامی، خیابان ها، و غیره موظفند که این نظرات و این پیشنهاد را از طریق مباحثات "آرام" و تظاهرات صلح آمیز تبلیغ کنند...

۵- مبلغین حزبی باید مداوماً علیه تهمت بیش‌رمانه ی سرمایه داران که حزب ما خواهان صلحی جداگانه با آلمان است اعتراض کنند... ما مخالف مذاکره با سرمایه داران و موافق مذاکره و ایجاد روابط برادرانه با کارگران و سربازان انقلابی همه ی کشورها هستیم...

۷- ما سیاست اکثریت رهبران فعلی شورای نمایندگان کارگران و سربازان و احزاب نارودنیک و منشویک را عمیقاً اشتباه می دانیم، زیرا اعتقاد به حکومت موقت، سعی به سازش با آن و چانه زدن برای اطلاعیه ها، در

نتیجه، تنها به مفهوم تلمبار کردن کاغذ پاره های بی معنا و تأخیر بی جا است. به علاوه این سیاست متباین با خواست شورای نمایندگان کارگران و سربازان و اکثریت سربازان انقلابی در جبهه و در پتروگراد و نیز اکثریت کارگران است.

۸- ما از کارگران و سربازانی که تشخیص می دهند شورای نمایندگان کارگران و سربازان باید مشی خود را تغییر داده و سیاست اعتماد و سازش با دولت سرمایه داری را نفی کند، می خواهیم که با ترتیب انتخاباتی جدید برای تعیین نمایندگان شورای نمایندگان کارگران و سربازان تنها کسانی را به این شورا بفرستند که مصمم به حمایت از نظرات موافق با خواست اکثریت «کارگران» هستند.

۱۵۱ - درباره‌ی قدرت دوگانه

۲۲ آوریل ۱۹۱۷

...شعار "سرنگون باد حکومت موقت" اکنون نادرست است، چرا که در غیاب اکثریت راسخ مردم (یعنی با آگاهی طبقاتی و سازمانیافته) در کنار پرولتاریای انقلابی، چنین شعاری یا عبارتی است بی محتوی و یا نهایتاً به اعمالی ماجراجویانه منجر می شود.

ما تنها زمانی از تفویض قدرت به پرولترها و نیمه پرولترها ظرفداری خواهیم کرد که شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان سیاست های ما را بپذیرد و مایل به تصرف این قدرت باشد.

سازماندهی حزب ما و پیوستگی نیروهای پرولتری به وضوح در طی روزهای بحرانی نارسایی خود را به ثبوت رسانده است.

شعارهای این لحظه عبارت است از:

- ۱- توضیح خط پرولتری و راه پرولتری برای اتمام جنگ؛
- ۲- تنقید سیاست های خرده بورژوازی اعتماد و سازش با دولت سرمایه داران؛

۳- هدایت ترویج و تبلیغ از گروهی به گروه دیگر در میان واحدها در هر کارخانه و به ویژه در میان عقب مانده ترین توده ها، همچون خدمتکاران،

کارگران یدی و غیره، چرا که بورژوازی می کوشد که بخصوص در روزهای بحرانی بر آنان تکیه کند؛

۴- سازماندهی، سازماندهی و باز هم سازماندهی پرولتاریا در هر کارخانه، در هر ناحیه و در هر بخش.

قطعهنامه ی ۲۱ آوریل شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد که هرگونه میتینگ خیابانی و تظاهرات را به مدت دو روز ممنوع کرده است، باید بدون قید و شرط توسط همه ی اعضای حزب رعایت شود...

ما از همه ی کارگران و سربازان می خواهیم که نتایج بحران دو روز گذشته را به دقت مورد توجه قرار داده، تنها رفقای را به عنوان نماینده به شورای نمایندگان کارگران و سربازان بفرستند که بیانگر خواست های اکثریت باشند. زمانی که نماینده ای عقاید اکثریت را بیان نکند، انتخابات جدید باید در کارخانه ها و سربازخانه ها برگزار شود.

کنفرانس

سراسری هفتم «کنفرانس آوریل»

۲۹-۲۴ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس هفتم یا کنفرانس آوریل حزب بلشویک از ۲۴ تا ۲۹ آوریل ۱۹۱۷ در پتروگراد برگزار شد و ۱۳۳ نفر با حق رأی و ۱۸ نفر با نظر مشورتی به نمایندگی از هشتاد هزار عضو حزب در آن حضور داشتند. کنفرانس مسایل زیر را مورد بررسی قرار داد: وضعیت جاری (حکومت موقت و جنگ)، شوراها، تجدیدنظر در برنامه‌ی حزب، مسأله‌ی ارضی، وضع انترناسیونال، مسأله‌ی ملی و غیره.

برگزاری کنفرانس هفتم و مصوبات انقلابی آن پیروزی بزرگی برای لنینیسم محسوب می‌شود. لنین در این کنفرانس موفق شد تا تزه‌های آوریل خود را به حزب بقبولاند. اغلب قطعنامه‌های این کنفرانس را لنین نوشت و گزارش‌هایی درباره‌ی وضعیت جاری، مسأله‌ی ارضی و تجدیدنظر در برنامه‌ی حزب به کنفرانس ارائه داد. لنین همچنین به عضویت هیأت رئیسه‌ی کنفرانس برگزیده شد. کلیه‌ی قطعنامه‌ها، گزارش‌ها و نطق‌های لنین بر تزه‌های آوریل وی استوار بود.

لنین در قطعنامه درباره ی جنگ (سند ۱۵۲) خاطر نشان می کند که جنگ از هر دو سو ماهیت امپریالیستی دارد و انتقال قدرت به حکومت موقت در ماهیت جنگ تغییری نداده است. اتهام سرمایه داران مبنی بر این که بلشویک ها خواهان صلح جداگانه با آلمان هستند، شدیداً محکوم می شود. لنین در این قطعنامه تأکید می کند که پرولتاریای روسیه نباید از جنگ پشتیبانی کند. در مورد صلح نیز تأکید می شود که تنها انتقال قدرت به پرولتاریا و نیمه پرولتاریا می تواند جنگ را خاتمه دهد.

در قطعنامه "درباره ی روش برخورد به حکومت موقت" (سند ۱۴۵) لنین بار دیگر حکومت موقت را حکومت بورژوازی و ملاکان ارزیابی کرده و هرگونه پشتیبانی از آن را محکوم می کند.

کنفرانس در قطعنامه ی دیگری، شعار لنینی "همه ی قدرت به شوراها" را تصویب می کند (سند ۱۵۶). لنین در چندین سخنرانی اهمیت جهانی -تاریخی شوراها را برای کنفرانس برشمرد و خاطر نشان کرد که هدف از شعار فوق پایان بخشیدن به حاکمیت بورژوازی و استقرار دیکتاتوری طبقه ی کارگر است.

لنین در گزارش خود در باره ی مسأله ی ارضی، ضرورت ملی کردن همه ی زمین ها را به اثبات رساند. لنین تأکید داشت که چون سیاست ملی کردن زمین ها، مالکیت خصوصی بر روی زمین را لغو می کند، ضربه ی محکمی به مالکیت خصوصی بر ابزار تولید به طور کلی وارد خواهد کرد. کنفرانس قطعنامه پیشنهادی لنین را در این باره تصویب کرد (سند ۱۵۷).

مسأله ی ملی نیز یکی از مسائلی بود که در کنفرانس مورد بررسی قرار گرفت. گزارش اصلی در این باره را استالین به کنفرانس ارائه داد و

قطعنامه‌ی مربوطه را لنین پیشنهاد کرد (سند ۱۵۸). در قطعنامه‌ی لنین به اصل حق تعیین سرنوشت تا سرحد جدایی و تشکیل دولت مستقل تأکید شده بود. لنین همچنین یادآوری می‌کرد که مسأله‌ی حق تعیین سرنوشت و تشکیل دولت مستقل نباید با مسأله‌ی مقتضی بودن جدایی اشتباه شود. حزب باید این مسأله را با توجه به منافع مبارزه‌ی طبقاتی در راه سوسیالیزم در هر مورد مشخصی مورد بررسی قرار دهد.

لنین در گزارش خود راجع به وضعیت جاری، برنامه‌ی مشخصی برای تحول انقلاب دموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی ارائه می‌دهد. بر پایه‌ی گزارش لنین، کنفرانس قطعنامه‌ی او را تحت عنوان "وضعیت جاری" تصویب کرد که در آن بر اتخاذ اقدامات عملی مشخصی برای حرکت به سوی سوسیالیزم تأکید می‌شود (مجموعه آثار، جلد ۲۴، صفحات ۱۳-۳۰۹).

لنین همچنین پیشنهاد کرد که برنامه‌ی حزب که در کنگره‌ی دوم در سال ۱۹۰۳ تصویب شده بود باید با توجه به وضعیت جدید مورد تجدیدنظر قرار گیرد (همانجا، صفحات ۸۲-۲۷۷). کنفرانس همچنین به پیشنهاد لنین، کمیته‌ی مرکزی را موظف ساخت تا ایجاد انترناسیونال سوم را در دستور کار خود قرار دهد.

با این که کنفرانس آوریل پیروزی بزرگی برای لنین محسوب می‌شد و حزب نظرات انقلابی وی را مورد تصویب قرار داد، ولی در کنفرانس کامنف و رایکوف از دیدگاه راست و دزرژینسکی، پیاتاکف و بوخارین از دیدگاه به اصطلاح چپ با لنین به مخالفت برخاستند. کامنف اعتقاد داشت که انقلاب بورژوا دموکراتیک پایان نیافته و شرایط برای انقلاب سوسیالیستی در روسیه آماده نیست. وی از نظریه‌ی منشویکی حمایت از حکومت موقت پیروی

می کرد. پیاتاکف نیز با اصل جدایی ملیت ها و تشکیل دولت مستقل مخالف بوده و آن را نقض انترناسیونالیزم پرولتری می دانست. هیچیک از این دیدگاه های نادرست نتوانستند در کنفرانس پیروزی به دست آورند. مصوبات انقلابی کنفرانس هفتم، حزب را بار دیگر با برنامه ی عمل انقلابی تجهیز و راه را برای پیروزی انقلاب اکتبر باز کرد.

۱۵۲- درباره‌ی جنگ

۲۷ آوریل ۱۹۱۷

... نظر به اهمیت بسیار، مسأله‌ی چگونگی اختتام جنگ امپریالیستی فعلی در اسرع وقت، و نه با صلحی تحمیلی بلکه با صلحی واقعی و دموکراتیک، کنفرانس ملزم و مقرر می‌دارد که:

این جنگ با خودداری سربازان یکطرف از ادامه‌ی آن، و یا توقف ساده عملیات نظامی از سوی یکی از طرفین، نمی‌تواند خاتمه پذیرد.

کنفرانس علیه این تهمت بیش‌رمانه شایع از طرف سرمایه داران نسبت به حزب ما، به این معنا که، ما طالب صلحی جداگانه با آلمان هستیم، بارها و بارها اعتراض می‌کند. ما سرمایه داران آلمانی را درست به اندازه‌ی سرمایه داران روسی، انگلیسی، فرانسوی و سایر سرمایه داران، درنده خو می‌دانیم و ویلهلم قیصر را همچون نیکلای دوم و یا پادشاهان انگلیس و آلمان و رومانی و غیره، راهزنان تاجدار.

حزب ما بردبارانه ولی با قاطعیت این حقیقت را به مردم توضیح خواهد داد، که جنگ توسط حکومت‌ها دامن زده می‌شود، که جنگ همیشه به نحوی جدای ناپذیر با سیاست‌های طبقات معینی پیوند دارد، که این جنگ تنها می‌تواند از طریق تفویض تمامی قدرت دولتی، در حداقل در چندین کشور متخاصم، به طبقه‌ی پرولتاریا و نیمه پرولتاریا که واقعاً می‌تواند حاکمیت ستمگرانه سرمایه را پایان بخشد، خاتمه یابد.

طبقه ی انقلابی، با در دست گرفتن قدرت دولتی در روسیه، سلسله اقداماتی را برای بی اعتبار کردن حاکمیت اقتصادی سرمایه داران و نیز برای خنثی کردن کامل آنان از نظر سیاسی به عمل آورده، بلافاصله و علناً به تمامی ملل صلیحی دموکراتیک بر مبنای نفی کامل الحاق و غرامت پیشنهاد خواهد کرد. این اقدامات و پیشنهاد صلح علنی سبب می شود که کارگران کشورهای متخاصم به یکدیگر اعتماد کامل پیدا کنند و به ناچار به قیام پرولتاریا علیه آن حکومت های امپریالیستی منجر خواهد شد که مخالف پیشنهاد صلح اند.

تا زمانی که طبقه ی انقلابی در روسیه تمامی قدرت دولتی را در دست گیرد، حزب ما به همه نحوی از احزاب و گروه های پرولتری خارج کشور که در واقع در طی جنگ مبارزه ای انقلابی را علیه حکومت های امپریالیستی و بورژوازی کشورهای خود به پیش برده اند، حمایت می کند. به طور اخص، این حزب از پیدایش صمیمیت گسترده بین سربازان کشورهای متخاصم در جبهه حمایت کرده، سعی در تبدیل این تجلی خودانگیخته همبستگی، به جنبش آگاهانه و تا حد امکان سازمانیافته- سیاسی خواهد کرد. تا در کشورهای متخاصم تمامی قدرت حکومتی در دست پرولتاریای انقلابی قرار گیرد.

۱۵۳- درباره‌ی اتحاد با انترناسیونالیست‌ها علیه بلوک خرده‌بورژوازی دفاع طلب

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

نظر به این که:

۱- احزاب سوسیال رولوسیونر، سوسیال دموکرات‌های منشویک، و غیره، در بسیاری از موارد به موضع "دفاع طلبی انقلابی" یعنی حمایت از جنگ امپریالیستی با رأی دادن به پیشنهاد قرضه «یعنی قرضه آزادی ۱۹۱۷ مصوب کمیته‌ی اجرایی در ۱۷ آوریل ۱۹۱۷ که طی آن حکومت ۵٪ اوراق قرضه برای فراهم کردن پول برای دفاع ملی پیشنهاد کرده بود»، و حمایت از حکومت موقت که نماینده‌ی منافع سرمایه است، در غلتیده اند؛

۲- این احزاب در تمامی سیاست‌هایشان منافع و نظرات خرده‌بورژوازی را به پیش می‌برند و با ابراز این عقیده که به واسطه‌ی توافق با حکومت، اعمال نظارت بر آن، ورود به کابینه، و غیره، می‌توان سیاست امپریالیستی حکومت را تغییر داد، و می‌توان آن را از دست‌یازی ضدانقلابی بر آزادی منصرف کرد، نتیجتاً پرولتاریا را با القای افکار بورژوایی به انحراف می‌کشند؛

۳- این سیاست اعتماد نابجای توده ها را نسبت به سرمایه داران ترغیب و تقویت می کند. حتی هر چند که چنین تلقی خود مانع اصلی گسترش بیش تر انقلاب باشد و امکان شکست انقلاب را توسط نیروهای ضدانقلابی بورژوازی و اشراف زمیندار، بالا برد- لذا کنفرانس مقرر می دارد که:

- ۱- اتحاد با احزاب و گروه های پیروی این سیاست مطلقاً غیرممکن است؛
- ۲- تجدید روابط و اتحاد با گروه ها و گرایش هایی که واقعاً انترناسیونالیست هستند «مثل کمیته ی بین ناحیه ای»، بر اساس گسستن آن ها از سیاست های خرده بورژوازیی خانن به سوسیالیزم، ضروری است.

۱۵۴ - درباره‌ی روش برخورد به حکومت موقت

۲۷ آوریل ۱۹۱۷

کنفرانس سراسری حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه معتقد است که:

۱- حکومت موقت بنابر خصلت «طبقاتی» اش ابزار حاکمیت اشرافیت

زمیندار و بورژوازی است؛

۲- حکومت موقت و طبقاتی که این حکومت نماینده‌ی آن‌ها است، چه از

نظر اقتصادی و چه سیاسی، به نحوی تفکیک‌ناپذیر وابسته به امپریالیزم

روسیه و انگلیس- فرانسه است؛

۳- حکومت موقت فقط قسمتی از برنامه‌ی اعلام شده‌ی خود را، و آن هم

تنها تحت فشار پرولتاریای انقلابی و بخشی از خرده بورژوازی انجام داده

است؛

۴- نیروهای ضدانقلابی بورژوازی و اشرافیت زمیندار که در فرایند سازمان

یافتن هستند و با همکاری مشهود حکومت موقت، خود را تحت لوای آن پنهان

ساخته‌اند، هم اکنون حمله به دموکراسی انقلابی را تدارک دیده‌اند: از این رو

است که حکومت موقت فراخوان انتخابات مجلس مؤسسان را به تعویق

می‌اندازد، جلوی تسلیح عمومی مردم را می‌گیرد، با انتقال همه‌ی زمین‌ها

به دست مردم مخالفت می‌کند و شیوه‌ی مالکان را برای حل مسأله‌ی ارضی

به کار می‌گیرد، مانع اعمال ۸ ساعت کار در روز می‌شود، بر تبلیغ ضدانقلابی در ارتش (به وسیله ی گوچکف Guchkov «وزیر جنگ» و شرکاء) چشم می‌بندد، افسران ارشد را علیه سربازان دوباره بسیج می‌کند، و غیره؛

۵- حکومت موقت در حالی که حافظ منافع سرمایه داران و زمینداران است، از کوچک ترین اقدام انقلابی اقتصادی (در مورد عرضه ی مواد غذایی و غیره) که با توجه به فاجعه ی قریب الوقوع اقتصادی مطلقاً و فوراً مورد نیاز است، عاجز است؛

۶- در عین حال این حکومت در حال حاضر متکی بر اعتماد، و در توافق مستقیم با شورای نمایندگان کارگران و سربازان پتروگراد است، که هنوز برای اکثریت کارگران و سربازان (یعنی دهقانان)، سازمانی است پیشرو.

۷- هر قدمی که حکومت موقت چه در امور خارجی و چه داخلی برمی‌دارد، چشم‌های پرولتاریای شهری و روستایی و نیمه پرولتاریا را بازتر کرده، لایه های مختلف خرده بورژوازی را وادار می‌کند که موضع سیاسی خاصی را بپذیرند.

با توجه به مراتب مذکور، کنفرانس مقرر می‌دارد که:

۱- فعالیت وسیعی جهت گسترش آگاهی طبقاتی پرولتاریا و اتحاد پرولتاریای شهری و روستایی علیه تردیدهای خرده بورژوازی باید صورت گیرد؛ چرا که تنها این نوع از فعالیت تفویض کامل قدرت دولتی را به شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و یا سایر نهادهایی که بیانگر مستقیم خواست‌های اکثریت مردم هستند (مثل ارگان‌های محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره) تضمین خواهد کرد.

۲- لازمه ی چنین کاری فعالیت همه جانبه درون شوراها ی نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آن ها، تحکیم قدرت آن ها، و یکپارچه کردن گروه های انترناسیونالیست حزب ما درون آن ها است.

۳- برای تحکیم فوری دستاوردهای انقلاب، و گسترش آن ها در سطح محلی ضروری است که ما با اتکاء بر اکثریت قاطع مردم محل، به هر شکلی اعمال مستقل مردم را که به قصد تحقق آزادی، به هر شکلی اعمال مستقل مردم را که به قصد تحقق آزادی، برکناری مقامات ضدانقلابی، اجرای اقدامات اقتصادی چون نظارت بر تولید و توزیع، و غیره صورت می گیرد، گسترش و سازمان داد و تقویت کرد.

۴۰- بحران سیاسی ۱۹- تا ۲۱ آوریل که به خاطر یادداشت حکومت موقت پدید آمد، نشان داده است که حزب حکومتی کادت ها، که در واقع امر به سازماندهی عناصر ضدانقلاب چه در ارتش و چه در کوچه و خیابان مشغول است، اکنون سعی در کشتن کارگران دارد. به سبب وضعیت ناپایداری که ناشی از قدرت دوگانه است، چنین کوشش هایی به اجبار باز هم تکرار خواهد شد. لذا حزب پرولتاریا موظف است که با تمام نیرو به مردم تفهیم کند که پرولتاریا باید سازمان یابد، مسلح و کاملاً متفق با ارتش انقلابی باشد، و سیاست اعتماد به حکومت موقت باید خاتمه یابد تا از خطر قریب الوقوع کشتار جمعی پرولتاریا، آن چنان که در پاریس در طی روزهای ژوئن ۱۸۴۸ واقع شد، جلوگیری شود.

۱۵۵ - درباره‌ی کابینه‌ی ائتلافی

۲۸ آوریل ۱۹۱۷

... حزب پرولتاریا به این وسیله اعلام می‌کند هر کسی که به کابینه‌ی ای بپیوندد که مجری این جنگ امپریالیستی است، صرف نظر از حسن نیت اش، خود شریک جرم سیاست‌های امپریالیستی سرمایه‌داران خواهد شد. بر این اساس، حزب پرولتاریا ورود نمایندگان شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان را به کابینه‌ی ائتلافی با قاطعیت تمام رد می‌کند «پیشنهاد حکومت موقت در ۲۶ آوریل که به وسیله‌ی کمیته‌ی اجرایی با یک رأی در دو روز بعد رد شد».

حزب در مورد کوشش‌هایی که برای جلب توجه مردم به مسأله‌ی جایگزین کردن یک فرد در کابینه با فرد دیگری و یا گروهی از سیاستمداران بورژوا با گروه دیگری در جریان است، به مردم اعلام خطر می‌کند. سوسیال‌دموکراسی انقلابی مبارزه غیراصولی گروه‌های پارلمانی را مغایر با مبارزه‌ی طبقاتی و به ویژه مسأله‌ی تغییرات ریشه‌دار در تمامی سیاست‌های شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان و تفویض همه‌ی قدرت دولتی به آن‌ها می‌داند.

۱۵۶- درباره‌ی شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

پس از بحث در باره‌ی گزارش‌ها و مکاتبه‌های رفقای که در شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان در نقاط مختلف روسیه فعالیت می‌کنند، کنفرانس اعلام می‌دارد که:

در بسیاری از نقاط کشور انقلاب از طریق تشکیل مستقل شوراهای توسط پرولتاریا و دهقانان، اخراج خودانگیخته مقامات قبلی، ایجاد میلیشیای دهقانی، انتقال همه‌ی زمین‌ها به دهقانان، ایجاد کنترل کارگری در کارخانه‌ها، اعمال ۸ ساعت کار در روز، افزایش دستمزدها، ابقای جریان یکنواخت تولید، ایجاد نظارت کارگری بر توزیع غذا، و غیره به جلو می‌رود.

رشد انقلاب در همه‌ی نقاط کشور چه در عمق و چه در سطح، از یکسو به معنای رشد جنبش تفویض همه‌ی قدرت به شوراهای و کنترل تولید به وسیله‌ی خود کارگران و دهقانان است. و از سوی دیگر در خدمت تضمین پایه‌ریزی نیروهایی برای مرحله‌ی دوم انقلاب، در مقیاس سراسر روسیه است، که باید همه قدرت دولتی را به شوراهای و یا دیگر نهادهای بیانگر مستقیم خواست‌های

اکثریت مردم (مثل ارگان های محلی خودگردان، مجلس مؤسسان، و غیره)، انتقال دهد.

در پایتخت ها و در بعضی از شهرهای بزرگ، وظیفه تفویض قدرت دولتی به شوراهای خصوصاً مشکل تر بوده و محتاج تدارک طولانی ویژه ای برای نیروهای پرولتری است. و این در جایی است که وسیع ترین نیروهای بورژوازی متمرکز شده است. و در همین جا است که سیاست های سازشکارانه با بورژوازی زنده تر به چشم می آید، سیاست هایی که غالباً مانع ابتکار انقلابی توده ها است و استقلال آنان را تضعیف می کند، سیاست هایی که خصوصاً برای اهمیت این شوراهای به مثابه نهادهای رهبری در همه نقاط کشور خطرناک است.

از این رو حزب پرولتاریا موظف است که، از یکسو حمایت همه جانبه ی خود را از گسترش انقلاب در شکل فوق ابراز کند، و از سوی دیگر درون شوراهای (از طریق ترویج و انتخاب مجدد نمایندگان) منظمأً برای پیروزی خط پرولتری مبارزه کند. حزب باید که تمامی مساعی و توجه خود را به توده ی کارگران و سربازان، تفکیک خط پرولتری از خط خرده بورژوایی، خط انترناسیونالیستی از خط دفاع طلبی، خط انقلابی از خط اپورتونیستی، و سازماندهی و تسلیح کارگران و تدارک نیروهای آنان برای مرحله ی بعدی انقلاب، معطوف کند.

کنفرانس بار دیگر اعلام می کند که آنچه ضروری است، فعالیت همه جانبه درون شوراهای نمایندگان کارگران و سربازان، افزایش تعداد آن ها، تحکیم قدرت آن ها، و یکپارچه کردن گروه های انترناسیونالیستی پرولتری حزب ما درون آن ها است.

۱۵۷- در باره‌ی مسأله‌ی ارضی

۲۸ آوریل ۱۹۱۷

... کنفرانس به شرح زیر مقرر می‌دارد که:

۱- حزب با همه‌ی توان خود برای مصادره فوری و کامل همه‌ی زمین‌های بزرگ (و نیز همه‌ی زمین‌های تحت تملک دربار، کلیسا و دولت، و غیره و غیره) مبارزه خواهد کرد.

۲- حزب قاطعانه انتقال فوری همه‌ی زمین‌ها را به دهقانان متشکل در شوراهای نمایندگان دهقانان، و یا در سایر ارگان‌های محلی خودگردان، که بر مبنایی کاملاً دموکراتیک انتخاب شده و مطلقاً مستقل از اشرافیت زمیندار و بوروکراسی باشد، خواستار است.

۳- حزب پرولتاریا خواهان ملی کردن همه‌ی زمین‌ها در کشور است. ملی کردنی که به معنای انتقال حق مالکیت همه‌ی زمین‌ها به دولت و تفویض حق اداره‌ی زمین به نهادهای دموکراتیک محلی است.

۴- حزب موظف است که قاطعانه علیه حکومت موقت که در مجموع گفته‌هایش از دهان شینگاروف Shingarov «وزیر کشاورزی» سعی بر تحمیل «توافق داوطلبانه با مالکان» (یعنی در واقع رفورمی مالکانه) بر دهقانان را دارد، و دهقانی را که «اعمال خودسرانه» انجام دهند تهدید می‌کند (یعنی اقلیتی از مردم-زمینداران و سرمایه‌داران- می‌تواند علیه اکثریت دست به خشونت بزند)، مبارزه کند.

۵- حزب به دهقانان توصیه می کند که تصرف زمین ها را به صورتی سازمانیافته انجام دهند، بدون این که اجازه دهند کوچک ترین خسارتی به اموال وارد شود. و نیز سعی در افزایش تولید داشته باشند.

۶- رفورم ارضی عموماً در صورتی موفق و دیرپا است که دولت کاملاً دموکراتیزه شود؛ یعنی پس از انحلال پلیس، ارتش دائمی، و بوروکراسی ممتاز از یک طرف، و پس از ایجاد نهادهای خودگردان محلی وسیع و کاملاً آزاد از نظارت و قیمومت از بالا، از طرف دیگر.

۷- ضروری است که بلافاصله سازماندهی جداگانه و مستقل پرولتاریای روستا در همه جا، چه به شکل شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزان (و نیز شوراهای خاص نمایندگان نیمه پرولتاریای روستا)، و چه به شکل گروه ها و جناح های پرولتری در شوراهای نمایندگان دهقانان و در همه ی نهادهای حکومتی شهری و محلی، و غیره و غیره، صورت گیرد.

۸- حزب باید که از اقدام آن کمیته های دهقانی که در بسیاری از نواحی روسیه، دام و ابزار کشت اشرافیت زمیندار را برای استفاده ی منظم جمعی در زراعت زمین ها در اختیار دهقانان متشکل در این کمیته ها قرار می دهد، حمایت کند.

۹- حزب پرولتاریا باید به پرولتاریا و نیمه پرولتاریای روستا توصیه کند که بکوشند تا هر یک از زمین های بزرگ را به صورت یک مزرعه نمونه با ابعادی مناسب که بتواند به حساب دولت و به وسیله ی شوراهای نمایندگان کارگران کشاورزی تحت راهنمایی متخصصان کشاورزی و با استفاده از بهترین روش های تکنولوژیک اداره شود، تبدیل کنند.

در باره ی مسأله ی ملیت ها

۲۹ آوریل ۱۹۱۷

سیاست ستم ملی، این میراث سلطنت و استبداد، توسط زمینداران، سرمایه داران و خرده بورژوازی نیز به منظور حفظ امتیازات طبقاتی و پراکنده ساختن کارگران ملیت های مختلف، ابقاء شده است. امپریالیزم معاصر با تشدید فشار برای انقیاد ملل ضعیف تر، عامل جدیدی است در تشدید ستم ملی.

از بین بردن این ستم ملی تا حدی که جامعه ی سرمایه داری اجازه می دهد تنها از طریق یک نظام جمهوری با دستگاه اداری کاملاً دموکراتیک که تساوی کامل همه ی ملیت ها و زبان ها را تضمین کند، ممکن است.

برای هر ملیتی که بخشی از روسیه را تشکیل می دهد باید داشتن حق جدایی آزادانه و تشکیل دولتی مستقل را به رسمیت شناخت. انکار چنین حقی و یا قصور در اقدام برای تضمین اجرای آن، در عمل معادل است با ابقای سیاست کشورگشایی یا الحاق طلبی. تنها شناسایی حق ملل تا حد جدایی از طرف پرولتاریا، همبستگی کامل کارگران ملیت های مختلف را تضمین می کند و روابط دوستانه واقعاً دموکراتیک بین این ملیت ها را گسترش می دهد.

برخوردی که اخیراً بین فنلاند و حکومت موقت روسیه پیش آمده است ((دیت Diet فنلاند تقاضای خودمختاری کامل کرد و حکومت روسیه آن را تا تشکیل مجلس مؤسسان به تعویق انداخت))، به طور مجسم نشان می دهد که انکار حق جدایی آزادانه، به ادامه ی مستقیم سیاست تزاریزم منجر می شود.

مسأله ی حق ملیت ها برای جدایی آزادانه نباید با این مسأله که جدایی به صلاح این یا آن ملیت است یا نه، اشتباه شود. حزب پرولتاریا باید در هر مورد

خاص با توجه به نیاز کلی توسعه ی اجتماعی و مبارزه ی طبقاتی پرولتاریا برای سوسیالیزم، به طور کاملاً مستقل تصمیم گیرد.

حزب خواستار خودمختاری وسیع ناحیه ای، حذف نظارت از بالا، لغو زبان رسمی اجباری و تعیین مرزهای نواحی خودگردان و خودمختار توسط خود مردم محلی بر مبنای شرایط اقتصادی، شرایط زیستی، ترکیب ملی جمعیت و غیره است.

حزب پرولتاریا خودمختاری به اصطلاح "ملی- فرهنگی" یعنی احاله امور آموزشی و غیره از نظارت دولت به نوعی مجلس ملی، را با قاطعیت رد می کند. خودمختاری ملی - فرهنگی کارگرانی را که در یک منطقه زندگی می کنند و حتی در یک کارخانه کار می کنند، بنابر اختلاف "فرهنگ ملی" ایشان مجازاً تفکیک می کند؛ یعنی بستگی بین کارگران و فرهنگ بورژوازی ملیتی خاص را تقویت می کند، در حالی که هدف سوسیال دموکراسی تقویت فرهنگ بین المللی پرولتاریای جهان است.

حزب خواستار گنجائیدن ماده ای بنیادی در قانون اساسی است که مانع هرگونه امتیاز خاص برای یک ملیت و هرگونه تعهدی به حقوق اقلیت های ملی باشد.

منافع طبقه ی کارگر ادغام کارگران تمامی ملیت های روسیه را در سازمان های پرولتری یکپارچه - چون سازمان های سیاسی، اتحادیه های کارگری، تعاونی های آموزشی، و غیره - طلب می کند. تنها این گونه ادغام کارگران ملیت های مختلف در سازمان های واحد، پرولتاریا را قادر می سازد تا به مبارزه ای موفق علیه سرمایه ی بین المللی و ناسیونالیزم بورژوازی، دست زند.